



McGill
Institute of Islamic Studies
Institut d'études islamiques



اثبات النبوات

ابويعقوب اسحاق بن احمد سجستانی
(داعی اسیسی دین چارم هجری)

تصحیح:

ویلفرد مادلوگ . بل واکر

ایران . تهران . ۱۳۹۵

سرشناسه : ابویعقوب سجستانی، اسحاق بن احمد، قرن ۴ ق.
 عنوان و نام پدیدآور : اثبات النبوات / تألیف ابی یعقوب السجستانی؛
 تحقیق ویلفرد مادلونگ، بول واکر؛
 انحصات نشر : تهران: کتاب رایزن، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۳۴۷ص.؛ ۵/۱۴×۲۱/۵سم.
 ثبت : سلسله میراث فکری تمدن اسلامی؛ ۱
 شابک : ۷-۵-۹۵۶۳۳-۹۵۶۳۳-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : تبیا
 ددانش : عربی
 یادداشت : نمایه
 موضوع : تبلیه
 موضوع : تبو
 شناسه افزوده : مادلونگ، ویلفرد، ۱۹۲۰- م.
 Mader, Wilferd
 شناسه افزوده : واکر، پل ارنست، ۱۹۴۱- م.
 Walker, Paul Ernest
 شناسه افزوده : انصاری قمی، حسن، ۱۳۴۹- م.
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ الف ۲ الف BPr۱۵
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۷۶

اثبات النبوات

تألیف: ابو یعقوب السجستانی

تصحیح: ویلفرد مادلونگ و پل واکر

با مقدمه: حسن انصاری (فارسی)

انتشارات کتاب رایزن (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی)

با همکاری پژوهشگاه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا.

شمارگان: هزار نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۳۳-۵-۷

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۵ ش / ۲۰۱۶ م

ایسر: : تراب زاده . چاپ: شادریگ . صحافی: نگاه

نشر: نیابوران، کاشانک، شماره ۲۱۰، گروه رایزن

تلفن: ۲۲۸۰۹۹۰ . دورنگار: ۲۲۸۰۹۹۲۶

پست الکترونیک: info@rayzanbooks.com

تارنم: www.rayzanbook.com



همه حقوق مادی و معنوی این اثر، اعم از محتوای مطالب و طرح، به موجب قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان محفوظ است و هرگونه نقض عاده یا غیرعاده از این اثر، اعم از زیوراکسی، بازویسی، ضبط و انتشار در فضای مجازی یا به هر دیگری، بدون اجازه مکتوب ناشر، کلاً و جزئاً ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.



«کتاب رایزن» به فردایی پایدار برای محیط زیست می‌اندیشد. کاغذهای استفاده‌شده در این کتاب دارای استاندارد بین‌المللی «شورای سرپرستی جنگل» است که با تک مخصوص در تارنمای این شورا در دسترس است.

در این کتاب شیوه سروف‌نگاری و صفحه‌بندی استاندارد «کتاب‌رایزن» اجرا نشده است.



سلسله ميراث فکری تمدن اسلامی ۱

زیر نظر:

رولا ایسباب . حسن موسوی بجنوردی
(دانشگاه مک گیل) (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)

هیئت ویراستاران:

زاینه اشمیتکه . کاظم موسوی بجنوردی
(مؤسسه مطالعات عالی پرینستون) (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)

حسن انصاری . رابرت ویسنوفسکی
(مؤسسه مطالعات عالی پرینستون) (دانشگاه مک گیل)

هیئت مشاوران:

سید علی آلود (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)
محمد سی امیرماری (EPR / دانشگاه سوربون)
علی بهرامیان (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)
فرهاد دفتري (مؤسسه مطالعات اسماعیلی)
دانیل دوستم (مرکز ملی فرانسه برای پژوهش های علمی)
جمیل رجب (دانشگاه مک گیل)
خالد الرویهب (دانشگاه هاروارد)
صادق سجادی (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)
جواد طباطبائی (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)
ماریبیل فیرو (شورای ملی پژوهش اسپانیا)
وداد القاضی (دانشگاه شیکاگو)
مایکل کوک (دانشگاه پرینستون)
ویلفرد مادلونگ (دانشگاه آکسفورد)
فتح الله مجتباتی (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)
محمد مجتهد شبستری (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)
حسین معصومی همدانی (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)
محمد علی موحد (مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)



نشر به معنای عام در قلمرو فرهنگی ایران سابقه‌ای بس دراز دارد. وجود بازارهای بزرگ و مهم «وراقان»، استنساخ انبوه آثار خرد و کلان، و تالیف مجموعه‌های گران‌بهای کتاب‌شناسی از قرون متقدم به این سوی از مهم‌ترین جلوه‌های نشر به شمار می‌رود. این سنت فرهنگ‌ساز و دانش‌پرور کهن، در قرون متأخر و ضمن تأسیس نخستین چاپخانه‌ها پس از اختراع دستگاه چاپ و تحولات فنون نشر همچنان دوام یافت و ایران امروز یکی از معدود مراکز درجه اول نشر آثار مکتوب در جهان اسلام و آسیا تلقی می‌شود.

آب حریان نشر در ایران را اهمیتی کم‌مانند بخشیده است، آن است که از روزگار کهن بسیاری از کاتبان نسخه‌ها، یعنی ناشران آثار مکتوب، به‌مرور نام‌ها را از دست داده‌اند و بعضی از آنها سپس‌تر به دانشمندانی بزرگ تبدیل شده‌اند. دوران معاصر نیز دسته‌ای از مهم‌ترین مراکز نشر در ایران را از دانشمندان متفکران ممتاز بنیاد کردند یا راهبری معنوی آن را به دست گرفتند و با چاپ انتقادی معتبرترین آثار قدما، پیشنهاد تحقیقات جدید به انشماران و انتشار آثار محققان آنها، و مخصوصاً ترجمه مهم‌ترین آثار مربوط به فلسفه و ادبیات نو، موجب آشنایی و بلکه توغل ایرانیان در عرصه اندیشه معاصر شدند.

کتاب ریزن، که بنابر مقتضیات اجتناب‌ناپذیر امروز، گسترش دانش و فرهنگ را مهم‌ترین وظیفه خود می‌شمارد، نیز بر انداد حرکت بزرگ فرهنگی «دائرةالمعارف بزرگ اسلامی»، همین مقصد را هدف می‌کند؛ یعنی علاوه بر چاپ و انتشار آثار محققان و مترجمان، به به‌ویژه شورای مشاوران می‌رسد، خود نیز عرصه‌ای برای تالیف و تصنیف تألیف در زمینه‌های مختلف تاریخ و فرهنگ و ادب ایران اسلام، ترجمه آثار معتبر در میدانی گسترده، مشتمل بر تحقیقات جدید در مکاتب و اندیشه‌های فلسفی و علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و تاریخ و ادبیات و بسیاری زمینه‌های دیگر — پس از طرح و تصویب در شورای مذکور — برای محققان و مترجمان برجسته می‌گشاید. به همین سبب آثار منتشره توسط کتاب ریزن پهنه‌ای وسیع در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی را دربر می‌گیرد و امیدوار است جریانی نو در زمینه چاپ و نشر در ایران ایجاد کند.

فهرس المحتويات

پیشگفتار (حسن انصاری) سیزده

کتاب إنبات النبوت لأبي یعقوب السجستانی

المقالة الأولى في الإبانة عن التفاوت الموجود في المخلوقين	١٦
الفصل الأول منها في هلیة التفاوت	١٦
الفصل الثاني في إلیة التفاوت	٢٠
الفصل الثالث في دلیلة التفاوت	٢٢
الفصل الرابع في لمة التفاوت	٢٤
الفصل الخامس في أن المتفاوتین بینهم اتفاقاً في بعض الوجوه	٢٧
الفصل السادس في أن من أجل التفاوت استقامت أمور العالمین	٣٢
الفصل السابع في أن التفاوت لا یرتفع جملة	٣٧
الفصل الثامن في أن أفضل المتفاوتین في هذا العالم هم البشر	٤١
الفصل التاسع في أن أفضل البشر هم الرسل	٥٢
الفصل العاشر في أن بین الأنبياء صلوات الله علیهم وإن كانوا في غاية الفضل تفاوتاً	٥٦
الفصل الحادي عشر في أن بعض المتفاوتین قد يدرك مرتبة غيره	٦٠
الفصل الثاني عشر في أن ليس في عالم العقل تفاوت بوجه من الوجوه	٦٣

المقالة الثانية في أنه لما ثبت أن لهذا العالم صانعاً حكيمًا وجب أن يكون

- ٦٩ منه رسول إلى المصنوعين
- الفصل الأول منها في أن أول رسول من الصانع إلى المصنوعين
- ٦٩ إنما هو العقل
- ٧٥ الفصل الثاني في العلة التي من أجلها يختار الله بعض عباده للرسالة
- ٨٠ الفصل الثالث في كيفية إرسال الرسل
- ٨٤ الفصل الرابع في هل يكون بين الرسول والمرسل واسطة أم لا
- الفصل الخامس في أن عبادة الله بغير واسطة الرسل في العالم
- ٨٩ الجسماني باطل
- ٩٤ الفصل السادس في أن الأمر بالعبادة من الأمر بغيره
- ٩٩ الفصل السابع في العلة التي من أجلها يجب على الجاحدين بالرسول
- الفصل الثامن في العلة التي من أجلها يمكن النية متصلة
- ١٠٣ من جهة الشريعة
- الفصل التاسع في العلة التي من أجلها رخصوا لأنفسهم ما حرموا على
- أهمهم وحظروا على أنفسهم ما رخصوا لأهمهم
- ١٠٨ الفصل العاشر في العلة التي من أجلها يجب نسخ الشريعة
- ١١١ الفصل الحادي عشر في العلة التي من أجلها قد يقع بين الشريعتين
- ١١٥ مشاركة من جهة التحليل والتحريم
- الفصل الثاني عشر في العلة التي من أجلها يروج لبعض المخترعين الكذابين
- ١٢٢ ما يروج للرسل من السوق والدعوة

١٢٨	المقالة الثالثة في إثبات النبوة من جهة الأشياء الطبيعية
١٢٨	الفصل الأول منه في إثبات النبوة من جهة الأجناس الطبيعية
١٣٥	الفصل الثاني في إثبات النبوة من جهة الأنواع الطبيعية
١٣٨	الفصل الثالث في إثبات النبوة من جهة الفصول الطبيعية
١٤١	الفصل الرابع في إثبات النبوة من جهة الخواص الطبيعية
١٤٦	الفصل الخامس في إثبات النبوة من جهة الأعراض الطبيعية
١٤٩	الفصل السادس في إثبات النبوة من جهة الحركات الطبيعية
١٥٥	الفصل السابع في إثبات النبوة من جهة الأزمنة
١٦٣	الفصل الثامن في إثبات النبوة من جهة الأمكنة
١٦٧	الفصل التاسع في إثبات النبوة من جهة الكون والفساد
١٧٠	الفصل العاشر في إثبات النبوة من جهة التضاد والاختلاف
١٧٥	الفصل الحادي عشر في إثبات النبوة من جهة الانفاة
١٧٨	الفصل الثاني عشر في إثبات النبوة من جهة الأمال
١٨٢	المقالة الرابعة في إثبات النبوة من جهة الأشياء الروحانية
١٨٢	الفصل الأول منها في أن في نفس الحكمة وجوب الرسالة
	الفصل الثاني في أن أول رسالة يؤديها العقل إنما هي معرفة المبدع
١٨٨	سبحانه وتعالى
١٩١	الفصل الثالث في إثبات النبوة من جهة العقل
١٩٤	الفصل الرابع في إثبات النبوة من جهة النفس

١٩٧	 الفصل الخامس في إثبات النبوة من جهة الأعداد
٢٠٢	 الفصل السادس في إثبات النبوة من جهة الفكرة
٢٠٥	 الفصل السابع في إثبات النبوة من جهة الحفظ
٢٠٧	 الفصل الثامن في إثبات النبوة من جهة الذكر
٢١٠	 الفصل التاسع في إثبات النبوة من جهة المحبة
٢١٣	 الفصل العاشر في إثبات النبوة من جهة الغلبة
٢١٥	 الفصل الحادي عشر في إثبات النبوة من جهة السعادات
٢١٨	 الفصل الثاني عشر في إثبات النبوة من جهة الكرم والشرف
	المقالة الخامسة من كتاب إثبات النبوة هي في أن الأنبياء كانوا متفقين
٢٢٢	 على الحقائق وإن كانوا مختلفين في الظاهر
	الفصل الأول منها في أن قبول الأنبياء من ملة واحد وإن
٢٢٢	 اختلفت أوضاعهم
٢٢٧	 الفصل الثاني في كيفية قبول الرسالة من المرسل
٢٣٢	 الفصل الثالث في كيفية كلام الله تعالى
	الفصل الرابع في العلة التي من أجلها تقدم قبل ظهور النطقاء
٢٣٨	 في العالم الفساد
٢٤٢	 الفصل الخامس في أن النبوة لم تنتقل من نسل إلى نسل والعلة فيها
	الفصل السادس في أن من أجل اختلاف الأوضاع وجب أن
٢٤٨	 يكون الرسل أكثر من واحد

الفصل السابع في أن كل رسول يفضل على الذي تقدمه بدرجة

أو درجتين ٢٥٤

الفصل الثامن في أن نهاية الكل من الرسل إلى القائم عليه السلام ٢٥٨

الفصل التاسع في أن بالرسل تم صلاح العالمين ٢٦٣

الفصل العاشر في الفرق بين النبوة والمملكة وفي أن المملكة لا تقوم

إلا بالنبوة ٢٦٨

الفصل الحادي عشر في علة وجوب الشريعة ٢٧٣

الفصل الثاني عشر في كيفية رفع الشرائع ولماذا ترفع ٢٧٦

فصول منتزعة من كتاب إثبات النبوة لأبي يعقوب السجستاني

أعلى الله قدسه ٢٨٣

ومن الفصل الخامس من المقالة السادسة في دراهم عليه السلام

وآثاره ودرجته ٢٨٧

ومن الفصل الثالث من المقالة السادسة ٢٩٠

ومن الفصل الرابع منها ٢٩١

ومن الفصل الثامن من المقالة السادسة في دور محمد صلى الله عليه وآله

ما معناه ٢٩٢

فهرس أسماء الأعلام والفرق والطوائف والجماعات ٢٩٧

فهرس أسماء الكتب الواردة في إثبات النبوة ٣٠١

فهرس الآيات القرآنية	٣٠٢
----------------------------	-----

www.ketab.ir

پیشگفتار

ابویعقوب سجستانی، نویسنده کتب اثبات النبوت، که هم‌اینک تصحیحی جدید از متن آن را در جلوی چشم داریم از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین داعیان اسماعیلی بود که به‌ویژه آنچه آن را «مکتب ایرانی» اسماعیلیه می‌خوانند عمدتاً به مساهمت او انجامید. می‌دانیم تأثیرات این مکتب تا عمق تفکرات اسماعیلیان، از دستگاه خلافت فاطمی گرفته تا داعیان طیبی یمن و حتی فروع و شعوب حنفی دعوت اسماعیلی در هند و نقاط دیگر قابل پیگیری است. به‌ویژه با انتقال آثار فاطمیان در دوره مستنصر فاطمی از مصر به یمن، داعیان طیبی در تداوم و تعمیق فلسفی اندیشه‌های فلسفی اسماعیلیان مکتب ایرانی مساهمتی جدی از خود نشان دادند و در آثار خود مکرر به آرای ابویعقوب سجستانی می‌پرداختند. دست آخر هم تقریباً همه آثار این مکتب از رهگذر مساهمت طیبیان یمن به دست ما رسیده است. در ایران تاکنون از طریق چاپ برخی از آثار ابویعقوب سجستانی و از جمله کتب ابویعقوب او ما با اندیشه‌هایش آشنایی داشتیم و به‌ویژه مقاله شادروان عباس دریاب خویی درباره او در داوۃ المعارف بزرگ اسلامی از بهترین نوشته‌ها درباره این دانشمند در این زبان است. در زبان‌های اروپایی البته مطالعات متعددی درباره او تاکنون چاپ شده و آثارش و به‌ویژه تفکر فلسفی نوافلاطونی وی مورد اهتمام محققان مختلف قرار گرفته است.

همان‌طور که در مقدمه انگلیسی این چاپ آمده، این کتاب پیش‌تر نیز منتشر شده است، اما با وضعیتی آشفته و با نقص‌های متعدد از یک سو و افزوده‌هایی به قلم محقق چاپ پیشین در داخل متن از دیگر سو. ضرورت تصحیح دوباره متن از مقایسه چاپ حاضر با چاپ پیشین این اثر معاینه شده است. متأسفانه هنوز هم نسخه خطی کاملی از این اثر در اختیار نیست. باید امیدوار بود وقتی نسخه کامل این اثر پیدا شود، اهمیت انتشار این اثر در ایران به حد واقعیت باز می‌گردد: نخست اینکه ابویعقوب سجستانی از داعیان و متفکران اسماعیلی مذهب ایرانی بود و مساهمتی جدی در تحولات تفکر فلسفی آثار داشت. آرای او البته گاه مورد توجه متفکران غیر اسماعیلی هم قرار گرفته و بعضاً اشارتی به او در دیگر منابع قدیم دیده می‌شود. اهمیت دیگر این اثر تعلق آن به متفکری است که در پذیرش و تفسیری جدید از مکتب نو افلاطونی امیخته با عقاید شیعی سهمی مهم داشته و ناگفته پیداست که برای مقایسه میان روایات این گوناگونی که از آثار و سنت‌های مختلف مکتب نو افلاطونی در دوران اسلامی وجود داشته و از جمله از کندی تا ابن سینا و از اخوان الصفا تا شماری از سنت‌های باطنی‌گرایی دوران اسلامی، مطالعه آثار ابویعقوب سجستانی کلاً اهمیت را دارد. بنابراین مطالعه آثار او برای دلبستگان به مطالعه تاریخ تفکرات فلسفی در اسلام حائز کمال اهمیت است. وانگهی، ابویعقوب سجستانی در این اثر همانند دیگر آثارش به بازسازی تفکرات شیعی به‌ویژه در موضوعاتی مانند امامت و «تعلیم» امامان و تفسیری فلسفی از آن در چارچوب تفکرات مکتب ایرانی فلسفه اسماعیلی، که چنانکه گفتیم روایتی جدید از سنت‌های

نوافلاطونی بود، می‌پردازد و این برای مطالعه تحولات فکر شیعی کمال اهمیت را داراست؛ به‌ویژه اینکه بعدها خواجه نصیر طوسی هم در آثار اسماعیلی خود به گونه‌های مختلفی تحت تأثیر این افکار بوده است. می‌دانیم به طور کلی تفکرات اسماعیلی و لو به شکل غیر مستقیم در آرای شماری از فیلسوفان مسلمان در دوره‌های مختلف تأثیر و نفوذ داشته است. به هر حال این کتاب ما را با برداشت گروه‌هایی از شیعه در سده چهارم آشنا می‌کند که درباره امامت و به‌ویژه مفهوم «قائمت» دیدگاه‌های ویژه‌ای داشته‌اند. معلوم است که حماد ابویعقوب در این زمینه‌ها ریشه‌های عمیق‌تری در سنت‌های قرن‌های دوم و سوم قری شیعه داشته و مکبش جزیره‌ای گسسته در نسبت با تفکرات سلسله‌های گروه‌ها و مکب‌های دیگر و از آن جمله گروه‌های مختلف امامیه و یا غلات شیعه نبوده است. در این میان، برخی بحث‌های کتب در سطح و حدود یک اثر کلاسیک شیعی در مباحث نبوت و امامت و ضرورت هدایت الهی جلوه می‌کند و درست همین‌جاست که باید این اثر را با آثار معاصرانش از میان امامیه که درباره موضوعاتی مانند امامت و حجت و قائمت قلم زده‌اند، مانند آثار سید محمد باقر کلبی و کمال الدین ابن بابویه که درست در محیط‌هایی مرتبط با اسماعیلیان نوشته شده‌اند سنجید و تحولات اندیشگی را در میان گروه‌ها و سنت‌های مختلف شیعی معاینه دید. در این کتاب، مشابه آثار دیگر متفکران شیعی در آن دوران ردیه‌هایی بر آرای اهل سنت و معتزله نیز دیده می‌شود.

با وجود اهتمام اسماعیلیان به اندیشه «تعلیم» از ناحیه نبی/امام، با این وصف می‌دانیم که در آثاری که در تثبیت دلائل نبوت و در زائر «اثبات

النّبوة» نوشته می‌شد معمولاً به آنان به عنوان مخالفان شریعت و نبوت اتهاماتی وارد می‌گردید (نمونه‌های قاضی عبدالجبار و ابوالحسن هارونی). این البته به دلیل گرایش اسماعیلیان به مسئله تأویل شریعت و اعتقاد به «قائم» به عنوان جانشین نبی و در نهایت قول به «تعطیل شریعت» در «دور قائم» بود. در واقع، از دیدگاه مخالفان، اسماعیلیان با طرح مسائل قائمیت و تأویل، شریعت و مقام نبوت را به چالش کشیده بودند. به هر حال، به نظر می‌رسد یکی از اهداف ابویعقوب سجستانی در تألیف این کتاب پاسخ به این مطالب بوده است، گو اینکه هدف اصلی او تبیین مسئله «تعلیم» و ادوار «نطقاء» است. بدینسان که مسئله نبوت و ادوار انبیاء و به ویژه مسئله انبیای اولوالعزم از نخستین ادوار تفکر باطنی و فلسفی اسماعیلیان محل اختلاف میان متفکران اسماعیلی قرار داشته، غنای بحث‌هایی که میان ابوحاتم رازی از یک سو و محمد بن احمد نسفی از دیگر سوی در داوری میان آن دو از سوی ابویعقوب سجستانی و حمیدالدین کرمانی در گرفته بوده است و این همه البته ریشه‌اش به مسئله جایگاه شریعت و مسئله ادوار، به طور عمده نقشی که باید «قائم» در دور خود بر عهده گیرد مربوط بود. و از این رو با کانونی‌ترین بحث‌های متفکران اسماعیلی مرتبط بوده است.

کتاب در اصل به هفت مقاله و هر مقاله به دوازده فصل تقسیم می‌شده که البته جز پاره‌هایی، از دو فصل انجامین چیزی باقی نمانده است. ابویعقوب در این کتاب پاره‌ای از مباحث را به شکل معمول آثار مشابه در رابطه با اثبات نبوت می‌پردازد و کم و بیش استدلال‌ها در بخشی از کتاب مشابه آنهاست؛ با این تفاوت که صبغه فلسفی در پردازش آن قوی‌تر جلوه

می‌کند. در گلاب نویسنده می‌کوشد از طرق عقلی نبوت را به اثبات رساند؛ از وجوب و ضرورت وجود شریعت سخن راند و با مسئله ضرورت و اسباب نسخ شرایع و تجدید در نبوت را متذکر شود. تأکید بر عقل در این گلاب و اینکه نخستین «رسول» خداست قابل مقایسه است با اهتمام کلینی به همین موضوع در گلاب الکافی. اهتمام او در این گلاب به مسئله ضرورت وجود شریعت در ادوار مختلف نبوت علاوه بر آنکه این بحث در ارتباط مستقیم با مسئله اثبات نبوت بوده، به احتمال زیاد پاسخی بوده به قرمطیان و اسماعیلیانی که به تعطیل بالفعل شریعت باور یافته بودند. ابویعقوب از سوی دیگر، همه‌ها بر ضرورت تأویل شریعت و عدم محدود شدن به ظواهر شریعت ترجیح نهاده است. او در چارچوب تفکرات اسماعیلی به مسئله ادوار مختلف نبوت پرداخت و البته بخشی از گلابش در همین زمینه مربوط می‌شده است. به بحث «دور قائم» که می‌دانیم از مهم‌ترین ارکان افکار اسماعیلیان در آن دوران بود و بر سر تفسیر آن هم اختلافاتی داشته‌اند. این تفکر البته با ریشه‌ای شیعی و با بهره‌گیری از احادیث قائمیت مجال واسعی را برای اسماعیلیان آن دوران فراهم کرد تا قائمیت را در ادامه ادوار نبوت قرار دهند و سهم او را در تأویل شریعت و در نهایت پایان دادن به آن مورد بحث بگذارند. بحث‌ها مرتبط عبارت‌اند از بحث در ادوار «نطقاء»: آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، و محمد (ص) و دور قائم. ابویعقوب همچنین بحث وجود «صامت» و «ناطق» را در هر دور بیان می‌کند و به اهمیت قائمیت در انتهای ادوار نبوت می‌پردازد. جزئیات این بحث‌ها در مقاله ششم گلاب مورد بحث قرار گرفته

بوده که متأسفانه هم‌اینک بخش عمده آن در نسخه‌های خطی موجود نیست. از مهم‌ترین و جالب‌ترین بحث‌های ابویعقوب که باید مورد توجه قرار گیرد بحث‌های اوست در رابطه با انسان‌شناسی از نقطه نظر نسبت میان جسم و حقیقت عقلی انسان. همچنین باید اشاره کنم به بحث او در ارتباط با اسرار انواع عبادات (صلات و زکات و صوم و حج و از این قبیل) که اصل این تفکر با نوشته‌های اسماعیلیان دیگر و حتی دانشمندان امامی و شیعیان بعدی، مانند سیدحیدر آملی، ابن ابی‌جمهور احسانی و قاضی سعید قمی قابل مقایسه است (متأسفانه این مطالب در مقاله آخر کتاب آمده که در دسترس نیست). از دیگر نکته‌های جالب توجه کتاب، بحث‌های او در زمینه علل وضع احکام و علل شرایع مختلف است و توجه به «مصالح عباد» که با زمینه کلی تفکر شیعی در این زمینه (همچون اثر ابن بابویه با عنوان علل الشرایع) هماهنگ است و نیز با پیش‌زمینه معتزلی آن. در همین ارتباط، باید افزود که با توجه به آموزش‌های شیعی و شریعت را «سیاسة الخلق من البشر» می‌خواند. در واقع شریعت از نگاه او «سیاست دینی» است برای «مصلحت عباد» در دنیا و آخرتشان مانند طلب که «سیاست بدنی» است برای «مصلحت عباد» در «حفظ الصحة و دمن الأراض».

از دیگر نکات جالب توجه کتاب، تفسیر نبوت است بر اساس فلسفه طبیعی. او حتی برای اثبات نبوت سراغ بحث از اجرام علوی هم می‌رود و از این طریق استدلال می‌کند که شریعت نباید دائماً یکسان باشد و باید میان انبیاء فاصله زمانی در نظر گرفته شود. او با بهره‌گیری از مفاهیم و اندیشه‌های فلسفه نو افلاطونی در زمینه نبوت به بحث می‌پردازد و

می‌کوشد با برقراری نسبت میان دو عالم جسمانی و روحانی و مقایسه منزلت رسول در عالم جسمانی با منزلت «سابق» (از اصطلاحات اصلی مکتب فلسفی اسماعیلیان) در عالم روحانی به اثبات فلسفی نبوت پردازد. طبعاً اصل رویکرد او در اثبات نبوت با تلاش‌های فیلسوفانی مانند فارابی و ابن سینا قابل مقایسه است.

ریشه است مباحثی که در این کتاب در رابطه با نبوت، نسبت آن با مقام «اساس» در قیاس با امامان و جایگاه تأویل و قائم بیان می‌کند بی سابقه در تذکره شیعی نبوده است. اما در عین حال باید گفت که برای اسماعیلیان و قرمطیان، مسئله نه افلاطونی زمینه مناسبی را فراهم می‌کرد که آنها مطالب خود را در رابطه با جایگاه قائم و تأویل مطرح کنند. طبعاً قول به تعطیل شریعت و یا ضرورت تعطیل در هنگام ظهور قائم نمی‌توانست به سادگی بر پایه تعالیم تشیع از سوی آنان مطرح شود اما تعالیم نو افلاطونی می‌توانست از لحاظ متافیزیکی نسبت میان مراتب و حقائق مختلف وجودی را با مراتب تأویل توضیح دهد. این نوع سخنان در آغاز به عنوان مجموعه‌ای از سخنان تأویلی و باطنی شیعی مطرح می‌شد اما به تدریج تلاش می‌شد که برای آن سخنان توجیهات فلسفی و یا سابقه‌هایی در سنت‌های تشعی ارائه گردد. طبعاً برای قرمطیان و اسماعیلیان ارائه تفسیر قابل فهمی از مفهوم قائمیت و تعلیم امامان بسیار ضروری بود. بنابراین می‌بایست نقطه آغاز بحث خود را به سلسله نبوت و نحوه زنجیره متصل هدایت مقدس اختصاص می‌دادند. در اینجا ابویعقوب سجستانی نظام هدایت الهی را در سلسله‌ای قرار می‌دهد که آغازگر آن در هر «دور»، ناطق است با نقش «تألیف الشریعة و

وضع السیاسة». بعد از او مرتبه «اساس» است با وظیفه تأویل شریعت و هکذا تا مراتب بعدی سلسله «نجات». در کتب با بحث از مفاهیم و مراتب و «حدود» در تفکر و دعوت اسماعیلی به سهم هر یک، از «ناطق» گرفته تا پایین ترین مراتب دعوت مانند «مأذونین» و «مستجبین» و «اصحاب التقلید» تمیز و یا نشر شریعت و تأویل آن پرداخته می شود.

در پایان باید گفت آنچه آن را می توان از مهم ترین بحث های ابویعقوب سجستانی در این کتاب قلمداد کرد و تاکنون چندان مورد توجه محققان واقع نشده تقریری است که او از پدیده وحی به دست می دهد. او در این راستا از مفاهیم و اصطلاحات نوافلاطونی بهره می گیرد و کاملاً تفسیری جدید و البته متفاوت با سنت توحیدان سلیمان از وحی و کیفیت آن ارائه می دهد. او در این بحث همانند سائر مباحث کتاب همه جا گوشه چشمی به جایگاه «قائم» دارد و سهم او در پایان «دور ناطقان».

انتشار این کتاب در ایران بی تردید سهم قابل ملاحظه ای برای آشنایی بیشتر خوانندگان ایرانی با غنای فکری مکتب فلسفی اسماعیلیان ایما خواهد کرد.